

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل حدیث در فضائل امام رضا علیه السلام

نویسنده:

موسسه نشر حدیث اهل بیت علیهم السلام

ناشر چاپی:

معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	چهل حدیث در فضائل امام رضا (ع)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	حدیث ۰۱
۹	حدیث ۰۲
۹	حدیث ۰۳
۹	حدیث ۰۴
۹	حدیث ۰۵
۱۰	حدیث ۰۶
۱۰	حدیث ۰۷
۱۰	حدیث ۰۸
۱۰	حدیث ۰۹
۱۱	حدیث ۱۰
۱۱	حدیث ۱۱
۱۱	حدیث ۱۲
۱۱	حدیث ۱۳
۱۲	حدیث ۱۴
۱۲	حدیث ۱۵
۱۲	حدیث ۱۶
۱۳	حدیث ۱۷
۱۳	حدیث ۱۸
۱۳	حدیث ۱۹

حدیث ۲۰.....	۱۳.....
حدیث ۲۱.....	۱۴.....
حدیث ۲۲.....	۱۴.....
حدیث ۲۳.....	۱۴.....
حدیث ۲۴.....	۱۴.....
حدیث ۲۵.....	۱۵.....
حدیث ۲۶.....	۱۵.....
حدیث ۲۷.....	۱۵.....
حدیث ۲۸.....	۱۵.....
حدیث ۲۹.....	۱۶.....
حدیث ۳۰.....	۱۶.....
حدیث ۳۱.....	۱۶.....
حدیث ۳۲.....	۱۶.....
حدیث ۳۳.....	۱۷.....
حدیث ۳۴.....	۱۷.....
حدیث ۳۵.....	۱۷.....
حدیث ۳۶.....	۱۷.....
حدیث ۳۷.....	۱۷.....
حدیث ۳۸.....	۱۸.....
حدیث ۳۹.....	۱۸.....
حدیث ۴۰.....	۱۸.....
پاورقی.....	۱۹.....

چهل حدیث در فضائل امام رضا (ع)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چهل حدیث در فضائل امام رضا علیه السلام / تدوین موسسه نشر حدیث اهل البیت علیهم السلام؛ با همکاری خانه کتاب ایران مشخصات نشر: [تهران]: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، انتشارات، ۱۴۱۵ق. = ۱۳۷۴. مشخصات ظاهری: ۷۶ ص. ۲۰/۸۵س.م فروست: (چهل حدیث ۹) یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۶ - ۷۵؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: اربعینات -- قرن ۱۴ موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۲۰۳ - ۱۵۳ ق. -- احادیث موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴ شناسه افزوده: موسسه نشر حدیث اهل البیت علیهم السلام شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی شناسه افزوده: خانه کتاب ایران رده بندی کنگره: BP۱۴۳/۹ چ ۹۲. ش ۱۳۷۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۴-۵۹۵۲

مقدمه

السلام علی غوث اللہفان و من صارت به أرض خراسان، خراسان، السَّلَامُ عَلٰی قُرَّةِ عین فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السلام علی البهجة الرضویة و الأخلاق الرضیة و الغصون المتفرعة عن الشجرة الأحمدیة [۱]. سلام بر فریادرس پریشان دلان و (سلام) بر آن که به وجود او سرزمین خراسان، خراسان گشته است، سلام بر روشنی چشم فاطمه سرور زنان جهانیان، سلام بر آن خشنودی رضوی و آن شاخسار های برآمده از درخت احمدیه. [صفحه ۴] بسم الله الرحمن الرحیم شیعه مفتخر است که همواره فرا راه خویش چراغ‌هایی نورافشان دارد که مسیر تاریک و ظلمانی زندگانی را بر او روشن می‌نماید و وی را از لغزش در گردابهای ضلالت رهایی می‌بخشد. از آن جایی که خداوند زمین را از حجت خویش خالی نساخته و نمی‌سازد، لذا پس از خاتم انبیاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، درهای یگانه‌ی امامت را برای هدایت و راهنمایی بشر برگزیده است و هر کدام در دورانی خاص نورافشانی نموده و برنامه‌ی الهی خویش را اجرا ساخته‌اند. [صفحه ۵] در تاریخ درخشان شیعه این امر به وضوح دیده می‌شود که امامان پاک نهاد و برگزیده‌ی الهی هر کدام، با مأموریتی ویژه و تعیین یافته از جانب حق متعال به تربیت علمی و عملی و دستگیری شیعه پرداخته‌اند. تا کنون که دوران امامت و عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ آن وجود مبارک به عنوان سکاندار عالم هستی، خورشید وجودش رشد دهنده‌ی جهان و جهانیان و به ویژه رشد دهنده‌ی انسانهای طالب کمال است، هر چند که حضرتش در غیبت و نهان زیستی به سر می‌برد، اما به تعبیر روایات گر چه این خورشید نور آفرین در ورای ابر غیبت به سر می‌برد، ولی باز وجود مبارکش سبب رشد و تعالی است. باری غرض از نگاشتن چنین حقایقی این است که تا بیان تذکاری باشد نسبت به فضائل و کرامات نعمت عظمای الهی یعنی وجود قدیس حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیة و الثناء، آن نعمتی که فضائلش به شماره در نمی‌آید و خداوند آن وجود ذی جود را نصیب شیعیان این مرز و بوم، شیعه خانه‌ی [صفحه ۶] اهل بیت سلام الله علیهم گردانیده است. آری عقلها به هنگام توصیف حضرتش را به جایی نمی‌برد و قلم از نگاشتن باز می‌ایستد؛ و ما را نشاید که به توصیف این ادب یافتگان الهی بپردازیم، جز این که به بیان توصیف اینان از گفتار الهی و یا از گفتار خود این بزرگواران بسنده نماییم و این توصیف‌ها خود، ما را به باوری عمیق معترف می‌گرداند و دل‌هامان را آکنده از ولاء و محبت شان می‌سازد. چه نیکو است که در این مجال کوتاه نظری گذرا به گوشه‌ای از زندگی پربار و احیاگر آن امام همام داشته باشیم، چرا که آن حضرت دارای ابعاد گوناگونی بوده‌اند. در بعد علمی آن چنان مدعیان دروغین را رسوا می‌ساختند که همگان انگشت تحریر به لب می‌گزیدند. این نکته را در مباحثات و جلسات مناظره‌ای که مأمون به زعم باطل خویش جهت خرد

ساختن مقام علمی آن حضرت به راه می انداخت به خوبی می توان دید. اما آن چنان که روایات شیعه بعد علمی این امام الهی را تصویر می کنند، حضرت رضا صلوات الله علیه سرپای وجودش را [صفحه ۷] توحید فرا گرفته و آن چنان با تمام وجودش در آمیخته بود که به گاه سخن در این وادی، تمامی مکاتب، مات و متحیر معارف توحیدی حضرتش گردیده اند و بسیاری از مدعیان علم، چون راه نورانی معارف شان را نپیموده اند به طریق هلاکت و ضلالت افتاده اند. در عصر حضرت رضا صلوات الله علیه دگر بار احیاء علوم الهیه را به گواه تاریخ نظاره گر هستیم که امام علیه السلام نه تنها در زمینه ی معارف توحید حرکت عظیمی داشته بلکه در جهت تربیت اصحاب خویش، آن حضرت آن چنان مزین به زیور اخلاق بود که ما در بخشی از روایات موجود در این مجموعه می خوانیم که دوست و دشمن در برابر خوی آسمانی و رفتار ملکوتی آن حضرت سر تعظیم فرود آورده و موافق و مخالف شیفته ی آن امام همام شده بودند؛ که به تعبیر روایات این خود یکی از علل ملقب شدن حضرت ثامن الائمه علیه السلام به رضا می باشد. به این ترتیب آن حضرت نمونه اتم تربیت الهی بود و تمامی حالات و رفتار و سکنات این وجود گرانمایه پندآموز و تعلیم گر بوده است. از آن جایی که حضرت همانند [صفحه ۸] اجداد بزرگوارشان از شالوده ی وحی، علوم خویش را دارا هستند لذا کلمات درر باری از ایشان در بوستان گفتار آل محمد صلوات الله علیهم به چشم می خورد. از آن جمله حدیث سلسله الذهب است یعنی زنجیره ی طلایی، که تمامی ناقلان این روایت، ائمه معصومین سلام الله علیهم هستند که از ناحیه ی ذات ربوبی روایت صادر شده را نقل می کنند و حضرت رضا سلام الله علیه آن را در مسیر راه مدینه به طوس در شهر نیشابور بیان فرمودند. در خاتمه از باب تیمن و تبرک این حدیث شریف را می نگاریم امید آن که این مجموعه که حاوی چهل حدیث در فضائل و کرامات و نصوص بر امامت آن امام بزرگوار می باشد هدایتگر ما به سعادت و رضوان الهی گردد. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ رَاهُوِيَه قَالَ لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَيْسَابُورَ وَ ارَادَ أَنْ يَرْحَلَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ فَقَالُوا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرْحَلُ عَنَّا وَ لَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِيثٍ فَتَسْتَفِيدُهُ مِنْكَ وَقَدْ كَانَ قَعْدَ فِي [صفحه ۹] الْعُمَارِيَّةِ فَأُطْلِعَ رَأْسَهُ وَقَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي عَلِيٍّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي [أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» [۲]. اسحاق بن راهويه گوید: «آن هنگام امام رضا علیه السلام به نیشابور رسید و قصد عزیمت به سوی مأمون را داشت، راویان حدیث نزد ایشان گرد آمدند و گفتند: این فرزند رسول خدا، اکنون که عازم سفر هستید، آیا [صفحه ۱۰] حدیثی برای ما بیان نمی فرماید تا از شما بهره مند گردیم. حضرت رضا علیه السلام در آن هنگام در هودج نشسته بودند، پس سرشان را بیرون آوردند و فرمودند: از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که فرمود: از پدرم محمد بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن الحسین شنیدم که فرمود: از پدرم حسین بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: از جبرئیل شنیدم که گفت: از خدای صاحب جلال و شوکت شنیدم که فرمود: لا اله الا الله در من است و کسی که به در من داخل گشت از عذاب من در امان است. (امام این را فرمود و) قافله حرکت کرد. پس از اندکی (سر از هودج بیرون آورد) و ما را ندا در داد که: (این کلام) شروطی دارد و من از شروط آن هستم.» [صفحه ۱۱]

حدیث ۱۰

فی حدیث دعبل ان الرضا علیه السلام قال له: «لَا تَنْقِصَی الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِی حَتَّى تَصِيرَ طُوسٌ مُخْتَلَفَ شِيعَتِی وَ زَوَارِی أَلَّا فَمَنْ زَارَنِی فِی عُزْبَتِی بِطُوسَ كَانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ.» [۳]. ثُمَّ نَهَضَ الرِّضَا بَعْدَ فَرَاغِ دَعْبِلٍ مِنْ إِنْشَادِ دَعْبِلٍ از امام رضا علیه السلام

نقل می‌کند که ضمن حدیثی فرمود: «روزها و شبها نمی‌گذرد تا این که طوس جایگاه آمد و رفت شیعیان و زائرانم می‌شود؛ آگاه باشید کسی که مرا در غربتم در طوس زیارت کند، روز قیامت با گناهان آمرزیده هم درجه‌ی من خواهد بود.» [صفحه ۱۲]

حدیث ۰۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «سَيُتَدَفَّنُ بَضْعَةٌ مِنِّي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ لَا مُذْنِبٌ إِلَّا عَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ» [۴]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود که هیچ گرفتاری او را زیارت نمی‌کند، جز این که خداوند پریشانی را از او می‌زداید و هیچ گنهکاری به زیارت او نائل نمی‌شود، مگر آن که خداوند گناهانش را می‌آمرزد.» [صفحه ۱۳]

حدیث ۰۳

قال الرضا عليه السلام: «مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي وَ مَزَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا [وَ عِنْدَ الصُّرَاطِ] وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ امام رضا عليه السلام فرمود: «کسی که با دوری راه سرا و مزار من به زیارت من بیاید، روز قیامت در سه جا (برای دستگیری) نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقوفها رهایی خواهم بخشید: هنگامی که نامه‌ها (ی اعمال) در راست و چپ به پرواز درآیند، نزد (پل) صراط و نزد میزان (محل سنجش اعمال).» [صفحه ۱۴]

حدیث ۰۴

قال الرضا عليه السلام: «وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ شَهِيدٌ» فَقِيلَ لَهُ فَمَنْ يَقْتُلُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: «شَرُّ خَلْقٍ لِلَّهِ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّيِّئِ ثُمَّ يَدْفِنُنِي فِي دَارٍ مَضْتَبِعَةٍ وَ بِلَادٍ غُرْبَةٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ صَدِيقٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ حَاجٍّ وَ مُعْتَمِرٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ مُجَاهِدٍ وَ حَشِيرَةٍ فِي زُفْرَتِنَا وَ جَعَلَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ رَفِيقَنَا.» [۶]. امام رضا عليه السلام فرمود: «به خدا سوگند کسی از ما (ائمه اطهار علیهم السلام) نیست جز آن که کشته یا شهید می‌شود.» گفته شد: چه کسی شما را ای فرزند رسول خدا می‌کشد؟ فرمود: [صفحه ۱۵] «بدترین آفریدگان خدا در زمانم مرا با زهر می‌کشد، سپس مرا در دیار غربت و سربازی دور افتاده دفن می‌کند؛ آگاه باشید کسی که مرا در غربتم زیارت کند، خدای عزوجل ثواب یکصد هزار شهید، یکصد هزار صدیق، یکصد هزار حج گزار و عمره گزار و یکصد هزار مجاهد را برای او می‌نویسد و در زمره‌ی ما محشور می‌شود و در درجات والای بهشت رفیق و همراه ما خواهد بود.» [صفحه ۱۶]

حدیث ۰۵

قال علي بن محمد بن علي الرضا عليه السلام: «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيُزِرْ قَبْرَ جَدِّي الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسَ وَ هُوَ عَلَى غُسلٍ وَ لِيُصَلَّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ وَ لِيَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَهُ فِي قُوتِهِ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مِائِثًا أَوْ قِطِيعَةً رَحِمَ وَ إِنَّ مَوْضِعَ قَبْرِهِ لِبُقْعَةٍ مِنْ [بِقَاعِ] الْجَنَّةِ لَمَا يُزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَ أَحَلَّهُ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ.» [۷]. امام علی النقی علیه السلام فرمود: «کسی که از خدا حاجتی می‌خواهد، قبر جدم (حضرت) رضا علیه السلام را در طوس زیارت کند، در حالی که غسل نموده باشد و سپس بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز گزارد و در [صفحه ۱۷] قنوت آن از خدای تعالی حاجت خود را بخواهد. در این صورت است که دعایش مستجاب می‌شود، مادام که گناه یا بریدن از خویشاوندی را درخواست نکرده باشد. همانا جایگاه قبر او قطعه‌ای از بهشت است که هیچ مؤمنی آن را زیارت نمی‌کند، مگر این که خدای تعالی او را از آتش (دوزخ) رهایی می‌بخشد و به سرای آرامش

(بهشت) وارد می سازد. [صفحه ۱۸]

حدیث ۶

قال الرضا عليه السلام: «إِنِّي سَأُقْتَلُ بِالسَّيِّئِ مَظْلُومًا وَأُقْبَرُ إِلَى جَنْبِ هَارُونَ الرَّشِيدِ وَيَجْعَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تُرْبَتِي مُخْتَلَفَ شَيْعَتِي وَأَهْلِ مَحَبَّتِي فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي وَجَبَتْ لَهُ زِيَارَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالَّذِي أَكْرَمَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالثُّبُوءِ وَاصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْخَلِيقَةِ لَا يُصِلُنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ عِنْدَ قَبْرِي [رَكَعَتَيْنِ] إِلَّا اسْتَحَقَّ الْمَغْفِرَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَالَّذِي أَكْرَمَنَا بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالْإِمَامَةِ وَخَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ إِنَّ زُورَ قَبْرِي لَأَكْرَمُ الْوُفُودِ عَلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَزُورُنِي فَيَصِيبُ وَجْهَهُ فَطَرَةٌ مِنَ الْمَاءِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ». [۸]. [صفحه ۱۹] امام رضا عليه السلام فرمود: «من بزودی مظلومانه با زهر کشته می شوم و کنار قبر هارون دفن می گردم و خداوند خاک (قبر) مرا جایگاه رفت و آمد (و زیارتگاه) شیعیان و دوستانم می گرداند. پس کسی که در غربتم مرا زیارت کند، روز قیامت زیارت او بر من واجب می شود؛ قسم به آن که محمد صلی الله علیه و سلم را به پیامبر گرامی داشت و او را بر تمامی مردم برگزید، کسی که از شما نزد قبرم نماز نمی گذارد، جز آن که روزی که خدای صاحب عزت و جلال را ملاقات می کند، شایسته ای آمرزش می شود و قسم به آن که بعد از محمد صلی الله علیه و سلم ما را به امامت گرامی داشت و به وصایت (و جانشینی آن حضرت) اختصاص گرامی ترین گروهها خواهند بود که روز قیامت بر خدای صاحب عزت و جلال وارد می شوند؛ و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت نماید و قطره ای آب (باران) به صورت او بخورد، جز [صفحه ۲۰] آن که خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می کند.» [صفحه ۲۱]

حدیث ۷

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْقُبُورِ إِلَّا إِلَى قُبُورِنَا أَلَا وَإِنِّي لَمَقْتُولٌ بِالسَّيِّئِ ظُلْمًا وَ مَيِّدُوفٌ فِي مَوْضِعِ غُرْبَتِي فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زِيَارَتِي اسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ» [۹]. امام رضا عليه السلام فرمود: «بار به سوی هیچ قبر (و زیارتگاهی) بر نبندید مگر این که به زیارت قبور ما بیاید. آگاه باشید که مرا مظلومانه مسموم ساخته و می کشند و در جایی غریبانه به خاک می سپارند پس هر کس که بار سفر برای زیارت من بر بندد، دعایش مستجاب می شود و گناهش مورد آمرزش واقع می گردد.» [صفحه ۲۲]

حدیث ۸

فِي خَبَرٍ: أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ لِنِسِيِّهِ: «هَذَا أَخَوُكُمْ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَالِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلُّوهُ عَنْ أَدْيَانِكُمْ وَ احْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ غَيْرَ مَرَّةٍ يَقُولُ «إِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَفِي صُلبِكُمْ وَ لَيْتَنِي أَدْرَكْتُهُ فَإِنَّهُ سَمِعَنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» [۱۰]. [صفحه ۲۳] جعفر بن محمد عليه السلام شنیدم که بارها می فرمود: همانا عالم آل محمد عليهم السلام در صلب توست، ای کاش او را درک می کردم! که همانا او همانا امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.» [صفحه ۲۴]

حدیث ۹

قَالَ عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ زِيَارَةُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ أَمْ زِيَارَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ زِيَارَةُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ» [۱۱]. علی بن مهزیار گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، زیارت حضرت رضا علیه السلام فضیلت

بیشتری دارد یا زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام؟ فرمود: «زیارت پدرم فضیلت بیشتری دارد، زیرا ابا عبد الله علیه السلام را همه‌ی مردم زیارت می‌کنند، ولی پدرم را جز شیعیان برگزیده زیارت نمی‌کنند.» [صفحه ۲۵]

حدیث ۱۰

قَالَ أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ: كَانَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكَلِّمُ النَّاسَ بِلُغَاتِهِمْ وَكَانَ وَاللَّهِ أَفْصَحَ النَّاسِ وَأَعْلَمَهُمْ بِكُلِّ لِسَانٍ وَلُغَةٍ فَقُلْتُ لَهُ يَوْمًا: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَمَأْجَبٌ مِنْ مَعْرِفَتِكَ بِهَذِهِ اللُّغَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهَا؟!» فَقَالَ: يَا أَبَا الصَّلْتِ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَتَّخِذَ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ أَوْ مَا بَلَغَكَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَوْتَيْنَا فَضْلَ الْخُطَابِ» وَمَا كَانَ فَضْلُ الْخُطَابِ إِلَّا مَعْرِفَةَ اللُّغَاتِ «[۱۲]. اباصلت هروی گوید: امام رضا علیه السلام با مردم به زبان خودشان سخن [صفحه ۲۶] می‌گفت و به خدا سوگند او سخنورترین و آگاه‌ترین مردم به هر زبان و لغت بود. روزی به ایشان گفتم: ای فرزند رسول خدا، من از آگاهی شما به این زبانها - با وجود تفاوتی که با هم دارند - در شگفتم. فرمود: «ای، اباصلت، من حجت خدا بر آفریدگانم می‌باشم و خداوند کسی را حجت بر گروهی نمی‌گرداند که به زبان آنها آشنا نباشد، آیا این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام را شنیده‌ای که فرمود: «به ما فصل الخطاب داده شده است» و مگر فصل الخطاب چیزی غیر از شناخت زبانها می‌باشد.» [صفحه ۲۷]

حدیث ۱۱

عن أبي الحسن موسى عليه السلام في حديث: أنه قال - وَ عَلَيَّ ابْنُهُ حَيَّالِسٌ بَيْنَ يَدَيْهِ: «مَنْ ظَلَمَ ابْنِي [هَذَا] حَقَّهُ وَ جَحَدَهُ إِمَامَتَهُ مِنْ بَعْدِي كَانَ كَمَنْ ظَلَمَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامَتَهُ وَ جَحَدَهُ حَقَّهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمَ». [۱۳]. امام موسی کاظم علیه السلام در ضمن حدیثی، در حالی که فرزندشان امام رضا علیه السلام در برابرشان نشسته بود، فرمود: «کسی که در حق این پسر من ستم ورزد و امامتش را بعد از من انکار نماید، مانند کسی است که در حق علی بن ابی طالب علیه السلام ستم ورزیده و امامتش را بعد از رسول خدا صلی الله علیه و سلم انکار نموده باشد.» [صفحه ۲۸]

حدیث ۱۲

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يُقْتَلُ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِي مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا عَزَفَانُ حَقَّهُ قَالَ يَعْلَمُ أَنَّهُ [إِمَامٌ] مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنْ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمَ عَلَى حَقِيقَتِهِ». [۱۴]. امام صادق علیه السلام فرمود: «نوهی مرا در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس می‌کشند؛ کسی که او را با شناخت حق وی زیارت کند، من روز قیامت از او دستگیری می‌کنم و وارد [صفحه ۲۹] بهشتش می‌سازم، هر چند که مرتکب گناهان کبیره شده باشد.» راوی گفت: فدایت شوم، شناخت حق او را به چیست؟ فرمود: «این که بدانی او (امامی است که) پیروانش واجب است. او غریب است و شهید؛ کسی که با شناخت حقش، او را زیارت کند، خدای صاحب عزت و جلال پاداش هفتاد شهید از شهدای راستین در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم را به او عطا می‌فرماید.» [صفحه ۳۰]

حدیث ۱۳

عن عَلِيِّ بْنِ يُقَيْطِينَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا فَدَخَلَ عَلَيْهِ [ابْنُهُ] الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ

هَذَا سَيِّدٌ وَلَدِي وَقَدْ نَحَلْتُهُ كُنِّيَّتِي فَقَالَ هِشَامُ بْنُ صَالِحٍ أَخْبَرَكَ وَاللَّهِ أَنَّ الْأَمْرَ فِيهِ مِنْ بَعْدِهِ [۱۵]. علی بن یقطين گوید: نزد بنده‌ی شایسته حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام نشسته بودم که حضرت رضا علیه‌السلام وارد شد، پس فرمود: «ای علی، این آقای فرزندان من است که کنیه‌ی خود (ابوالحسن) را به او بخشیدم.» هشام بن صالح گفت: بخدا سوگند تو را آگاه ساخت که امر (امامت) پس از وی در این امام خواهد بود. [صفحه ۳۱]

حدیث ۱۴

عن الْبَرْزَنْطِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ قَوْمًا مِنْ مُخَالِفِيكُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ أَبَاكَ إِنَّمَا سَيِّمَاهُ الْمَأْمُونُ الرَّضَا لِمَا رَضِيَهُ لَوْلَايَةِ عَهْدِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَبُوا وَاللَّهِ وَفَجَرُوا بِاللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَمَاءَهُ بِالرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّهُ كَانَ رَضِيَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي سَيِّمَائِهِ وَرَضِيَ لِرَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ بَعْدَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي أَرْضِهِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَلَمْ يَكُنْ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْ آبَائِكَ الْمَاضِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَضِيَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ بَعْدَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ بَلَى فَقُلْتُ فَلِمَ سَمَّى أَبُوكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَيْنِهِمُ الرَّضَا؟ قَالَ لِأَنَّهُ رَضِيَ بِيهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَغْدَائِهِ كَمَا رَضِيَ بِهِ الْمُؤَافِقُونَ. [صفحه ۳۲] مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لِأَخِيهِ مِنْ آيَاتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلِذَلِكَ سَمَّى مِنْ بَيْنِهِمُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.» [۱۶] بزنتی گوید: «به ابوجعفر محمد بن علی بن موسی (امام جواد) علیه‌السلام گفتم: گروهی از مخالفان شما می‌پندارند که (علت ملقب شدن پدرتان به رضا علیه‌السلام) این است که چون پدرتان را برای ولایت عهدی خود پسندید، این لقب (یعنی) رضا را به ایشان داد. فرمود: «به خدا سوگند دروغ گفتند و گمراه گشتند، بلکه خدای تعالی آن حضرت را رضا نامیده است، زیرا که وی از خدای صاحب عزت و جلال در آسمانش و از پیامبرش و امامان بعد از آن حضرت در زمین راضی بود؟ گفتم: مگر پدران پیشین شما از خدای صاحب عزت و جلال و پیامبر و امامان بعد از آن حضرت علیه‌السلام راضی نبودند؟ فرمود: آری. گفتم: پس چرا [صفحه ۳۳] پدر شما از میان آنان رضا نامیده شده است؟ فرمود: زیرا که مخالفان از دشمنانش همانند موافقان از دوستانش از او رضایت داشتند و این موقعیت برای کسی از پدران او پیش نیامد، از این رو از میان ایشان، لقب رضا علیه‌السلام به آن حضرت اختصاص یافت.»

حدیث ۱۵

عن دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ كَبُرَ سِتِّي فَحَدِّثْنِي مِنَ الْإِمَامِ بَعْدَكَ.» قَالَ: فَأَشَارَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي [۱۷] دَاوُدَ رَقِيٍّ گوید: به ابو ابراهیم (امام موسی کاظم) علیه‌السلام گفتم: فدایت شوم، سن من بالا رفته است، بیان نمایید امام بعد از شما کیست؟ پس آن حضرت اشاره به ابوالحسن الرضا علیه‌السلام کرد و فرمود: «این صاحب شما بعد از من است.» [صفحه ۳۵]

حدیث ۱۶

عَنْ سُلَيْمَانَ الْمَرْزُوقِيِّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْحُجَّةِ عَلَى النَّاسِ بَعْدَهُ» فَأَبْتَدَأَنِي وَقَالَ: «يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ عَلِيًّا ابْنِي وَوَصِيِّي وَالْحُجَّةَ عَلَى النَّاسِ بَعْدِي وَهُوَ أَفْضَلُ وَلَدِي فَإِنْ بَقِيَتْ بَعْدِي فَأَشْهَدُ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ شِيعَتِي وَأَهْلِي وَلِمَا بَيْنِي وَالْمُسْتَحْبِرِينَ عَنْ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي» [۱۸] سُلَيْمَانُ مَرْزُوقِيٍّ گوید: من خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام رسیدم و می‌خواستم از حجت بر مردم، پس از وی سؤال نمایم که ابتدا به ساکن فرمود: «ای سلیمان، علی پسر من، وصی و حجت بر مردم بعد از [صفحه ۳۶] من است. او، برترین فرزندان من باشد. اگر بعد از من زنده بودی، این را نزد شیعیان و دوستانم و کسانی که خواستار شناخت جانشین بعد از من هستند، گواهی بده.» [صفحه ۳۷]

حدیث ۱۷

قال حُسَيْنُ بْنُ بَشِيرٍ: «أَقَامَ لَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنَهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ [عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ] يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَقَالَ: يَا أَهْلَ الْمَدِينَةِ أَوْ قَالَ يَا أَهْلَ الْمَسْجِدِ هَذَا وَصِيٌّ مِنْ بَعْدِي» [۱۹] حسين بن بشير گوید: «ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام پسرش علی (بن موسی الرضا) علیه السلام را (جهت معرفی به امامت) بلند نمود، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم، علی علیه السلام را روز غدیر خم بلند نمود و فرمود: ای مردم مدینه - یا فرمود: ای اهل مسجد - این جانشین بعد از من است.» [صفحه ۳۸]

حدیث ۱۸

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلِيَّ ابْنَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَجْرِهِ وَهُوَ يُقْبَلُهُ وَيَمَضُّ لِسَانَهُ وَيَضْمُهُ عَلَى عَاتِقِهِ وَيَضْمُهُ إِلَيْهِ وَيَقُولُ: بِأَبِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَأَطْهَرَ خَلْقَكَ وَأَبْيَنَ فَضْلَكَ؟!» قُلْتُ: «جُعِلْتُ فِدَاكَ لَقَدْ وَقَعَ فِي قَلْبِي لِهَذَا الْعُلَامِ مِنَ الْمَوَدَّةِ مَا لَمْ يَقَعْ لِأَحَدٍ إِلَّا لَكَ.» فَقَالَ لِي «يَا مُفَضَّلُ هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَتِي مِنْ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.» قَالَ: «قُلْتُ هُوَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِكَ؟» قَالَ: «نَعَمْ مِنْ أَطَاعَهُ رَشَدٌ وَمَنْ عَصَاهُ كُفْرٌ.» [۲۰]. [صفحه ۳۹] مفصل بن عمر گوید: «خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم، (مشاهده نمودم که) پسرش علی (بن موسی الرضا) علیه السلام در آغوشش می باشد و او را می بوسد و زبانش را می مکد و بر شانه اش می گذارد و او را در آغوش می فشرد و می فرماید: پدرم فدایت! چه رایحه ی دل انگیز و خوی پاک و برتری آشکاری داری! گفتم: فدایت شوم، مهر این کودک آن چنان در دلم جای گرفت که جز مهر شما محبت کسی بدان حد به دلم راه نیافته است. فرمود: ای مفصل، منزلت او نسبت به من مانند منزلت من نسبت به پدر ماست، خاندانی که برخی از ایشان از برخی دیگرند و البته خدا بسیار شنوای داناست. گفتم: آیا او بعد از شما (امام و) صاحب این امر خواهد بود؟ فرمود: آری، کسی که او را پیروی نماید هدایت یابد و کسی که نافرمانیش کند کافر می شود.» [صفحه ۴۰]

حدیث ۱۹

فِي حَدِيثٍ - أَنَّ عَلِيَّ بْنَ يَقْطِينٍ قَالَ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَنَا بَعْدَكَ يَا سَيِّدِي؟ فَقَالَ: «عَلَى ابْنِي هَذَا، هُوَ خَيْرٌ مِنْ أُخْلَفُ بَعْدِي هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ أَبِي، هُوَ لَشِيعَتِي، عِنْدَهُ عِلْمٌ مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ. سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا وَ سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ وَ أَنَهُ لِمَنِ الْمُقَرَّبِينَ.» [۲۱] در حدیثی علی بن یقطین به ابوالحسن امام موسی کاظم علیه السلام گفت: آقای من، بعد از شما چه کسی (امام) خواهد بود؟ فرمود: این پسر من علی، که بهترین بازمانده و جانشین من است. او نسبت به من مانند منزلت من نسبت به پدرم است (که امامت را بعد از من به عهده خواهد داشت). [صفحه ۴۱] بهره وری شیعیانم از او بدین گونه است که آنچه بدان نیازمندند نزد اوست. او سرور دنیا و آخرت و از مقربان (در گاه الهی) است.» [صفحه ۴۲]

حدیث ۲۰

قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْعَبَّاسِ: مَا رَأَيْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ عَنْ شَيْءٍ قَطُّ ... إِلَّا عِلْمُهُ وَ لَا رَأَيْتُ أَعْلَمَ مِنْهُ بِمَا كَانَ فِي الزَّمَانِ إِلَى وَقْتِهِ وَ عَصِيرِهِ وَ كَانَ الْمَأْمُونُ يَمْتَحِنُهُ بِالسُّؤَالِ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ فَيَجِيبُ عَنْهُ وَ كَانَ كَلَامُهُ كُلُّهُ وَ جَوَابُهُ وَ تَمَثُّلُهُ انْتِرَاعَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ كَانَ يَخْتِمُهُ فِي كُلِّ ثَلَاثٍ وَ يَقُولُ لَوْ أَنِّي أَرَدْتُ أَخْتِمُهُ فِي أَقْرَبِ مِنْ ثَلَاثٍ لَخْتِمْتُ وَ لَكِنِّي مَا مَرَرْتُ بِآيَةٍ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَ فِي أَى شَيْءٍ أُنْزِلَتْ

وَفِي أَيِّ وَقْتٍ فَلَدَلِكَ صَرَتْ أَخْتِمُهُ فِي كُلِّ ثَلَاثِ أَيَّامٍ. [۲۲]. [صفحه ۴۳] ابراهیم بن عباس گوید: «هیچ گاه ندیدم که از (امام) رضا علیه السلام چیزی پرسیده شود، جز این که آن سؤال را پاسخ می داد. در میان عالمان پیشین و دانشمندان معاصر او کسی را آگاهتر از وی نیافتم. مأمون با پرسشهای گوناگون او را می آموزد و او از عهدهی پاسخ تمامی آنها بر می آمد. تمامی سخن و جواب و شواهد مثال او از قرآن بود. در هر سه روز یک مرتبه قراء قرآن را به پایان می برد و می فرمود: «اگر بخواهم می توانم آن را در کمتر از سه روز هم ختم نمایم، اما هرگز از آیه ای نمی گذرم جز این که در آن می اندیشم که درباره ی چه و چه هنگام نازل گشته است و از این لحاظ است که هر سه روز یک مرتبه قرآن را ختم می نمایم.» [صفحه ۴۴]

حدیث ۲۱

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ «اشْهَدُوا أَنَّ ابْنِي هَذَا وَصِيَّيَ وَالْقَيِّمُ بِأَمْرِي وَخَلِيفَتِي مَنْ بَعْدِي مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدِي دَيْنٌ فَلْيَأْخُذْهُ مِنْ ابْنِي هَذَا وَمَنْ كَانَتْ لَهُ عِنْدِي عِدَّةٌ فَلْيَتَنَجَّزْهَا مِنْهُ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ بَيْدٌ مِنْ لِقَائِي فَلَا يَلْقَنِي إِلَّا بِكِتَابِهِ» [۲۳] امام کاظم علیه السلام به اصحاب خود فرمود: «گواه باشید که این پسر من (امام رضا علیه السلام) وصی و سرپرست و جانشین بعد از من می باشد، کسی که من دینی از او بر گردن دارم، آن را از این پسر من بگیرد، کسی که من به او وعده ای داده ام، انجام آن را از او بخواهد و کسی که ناگزیر از ملاقات با من است، از راه نامه نگاری با او با من پیوند برقرار سازد.»

حدیث ۲۲

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ ابْنِي عَلِيًّا أَكْبَرُ وَلَدِي وَأَبْرُهُمْ عِنْدِي وَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ وَهُوَ يَنْظُرُ مَعِيَ فِي الْجَفْرِ وَلَمْ يَنْظُرْ فِيهِ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ» [۲۴] امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: «همانا علی پسر بزرگم نزد من از همه فرزندانم نیکو کارتر و محبوبتر است. او با من در جفر [۲۵] می نگیرد و حال آنکه در جفر جز پیامبر یا وصی پیامبر نمی تواند بدان بنگرد.» [صفحه ۴۶]

حدیث ۲۳

قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَخْرُجُ وَلَدٌ مِنْ ابْنِي مُوسَى اسْمُهُ اسْمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ إِلَى أَرْضِ طُوسَ وَهِيَ بِخُرَاسَانَ يُقْتَلُ فِيهَا بِالسَّيْفِ فَيَدْفَنُ فِيهَا غَرِيبًا مِنْ زَاوَةِ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى أَجْرَ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ» [۲۶] امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «فرزندی از پسر من موسی که همانا امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام است، به جانب سرزمین طوس در خراسان می رود و در آن جا با زهر کشته شده و غریبانه دفن می شود، کسی که او را با شناخت حق وی (به اینکه آن حضرت اما واجب الاطاعه [صفحه ۴۷] است) زیارت کند، خدای تعالی پاداش کسی را که قبل از پیروزی، انفاق نموده و جنگیده است به وی عطا می نماید.» [صفحه ۴۸]

حدیث ۲۴

قَالَ زِيَادُ الْقَنْدِي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ ابْنُهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا زِيَادُ هَذَا ابْنِي كِتَابُهُ كِتَابِي وَكَلَامُهُ كَلَامِي وَرَسُولُهُ رَسُولِي وَمَا قَالَا قَالُوا قَوْلُهُ [۲۷]. زاید قندی گوید: خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم، در حالی که پسرش ابوالحسن (امام رضا) علیه السلام نزد ایشان بود. سپس فرمود: «ای زیاد، این پسر من نوشته اش نوشته ی من، سخنش سخن من، فرستاده اش فرستاده ی من است و هر چه گوید، سخن، سخن اوست.» [صفحه ۴۹]

حدیث ۲۵

عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّهُ يَقُولُ لِي: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِي أَرْضِكُمْ بَضْعَتِي وَاسْتُحْفِطْتُمْ وَدِيعَتِي وَغُيِّبَ فِي تَرَاكُمُ نَجْمِي؟ فَقَالَ لَهُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ وَآنَا بَضْعَةٌ مِنْ بَنِيكُمْ وَآنَا الْوَدِيعَةُ وَالنَّجْمُ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ يَعْرِفُ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ حَقِّي وَطَاعَتِي فَأَنَا وَآبَائِي شُفَعَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ كُنَّا شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. [۲۸]. [صفحه ۵۰] مردی خراسانی به امام رضا علیه السلام عرض نمود: ای فرزند رسول خدا، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمود: «چگونه است حال شما آن هنگام که فردی از (خاندان) من در سرزمین شما دفن گردد و شما به حفظ این امانت من اهتمام نمایید و ستاره‌ی من در خاک شما پنهان گردد؟» امام رضا علیه السلام فرمود: «من هستم که در سرزمین شما دفن می‌گردم؛ من پاره‌ی تن پیامبر شما هستم؛ و منم آن امانت و ستاره، آگاه باشید کسی که مرا زیارت کند، در حالی که بداند که خدای تبارک و تعالی (ادای) حق و پیروی مرا واجب ساخته است، من و پدرانم روز قیامت شفیعان او خواهیم بود و کسی که ما روز قیامت شفیع او باشیم (از آتش دوزخ) رهایی می‌یابد، هر چند بار گناهان جن و انس بر او باشد.» [صفحه ۵۱]

حدیث ۲۶

قال أبو الحسن موسى عليه السلام في حديث: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِيٍّ وَبَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ. قِيلَ: كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ الرَّحْمَنِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَأَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ فَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ هُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ - فَنُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ مِنَ الْآخِرِينَ - فَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ يَمِيذُ الْمَضْمَارُ فَيَقْعِدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا أَنْ أَغْلَاهُمْ دَرَجَةً وَأَقْرَبَهُمْ حَبْوَةً زَوَّارُ قَبْرِ وَلَدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ.» [۲۹]. [صفحه ۵۲] امام موسی کاظم علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «کسی که قبر فرزندانم علی علیه السلام را زیارت کند و شبی را نزد او به سربرد، مانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.» راوی (از روی تعجب) گفت: مانند کسی که خدا را در عرش زیارت کرده است؟ حضرت فرمود: «آری، چون روز قیامت شود، چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پیشینیان بر عرش خدای رحمان قرار می‌گیرند. چهار نفر پیشینیان نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام هستند و چهار نفر پسینیان محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام؛ بعد از آن خوان طعام گسترده می‌شود و زائران قبور ائمه علیهم السلام به (گرد) آن می‌نشینند؛ بدانید که (در) میان زائران قبور ائمه علیهم السلام) مقام زائران قبر فرزندانم از همه بلندتر و پر ارج تر است.» [صفحه ۵۳]

حدیث ۲۷

عن أبي بصير الهروي قال: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمْ وَقَرَّبَهُمْ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: «مَرْحَبًا بِكُمْ وَأَهْلًا فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا يَأْتِي عَلَيْكُمْ يَوْمٌ تَزُورُونَ فِيهِ تُوْبَتِي بِطُوسٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» [۳۰]. اباصلت هروی گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم که گروهی از مردم قم وارد شدند و سلام نمودند. حضرت پاسخ آنها را فرمود و ایشان را نزدیک خویش جای داد. سپس فرمود: «آفرین بر شما! شما شیعیان راستین ما هستید، زمانی بر شما فرا می‌رسد که خاک (قبر) مرا در طوس [صفحه ۵۴] [زیارت] می‌کنید، آگاه باشید کسی که مرا در حالی که غسل نموده باشد زیارت کند، از گناهانش پاک می‌شود، مانند روزی که از مادر زاییده شده است.» [صفحه ۵۵]

حدیث ۲۸

عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ تَحَيَّرْتُ بَيْنَ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَيْنَ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسَ فَمَا تَرَى فَقَالَ لِي مَكَانَكَ ثُمَّ دَخَلَ وَخَرَجَ وَدُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَّيْهِ فَقَالَ زُوَّارُ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرُونَ وَزُوَّارُ قَبْرِ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسَ قَلِيلُونَ» [۳۱].

عبدالعظیم حسنی گوید: به ابوجعفر (امام جواد علیه السلام) گفتیم: من در تردیدم که به زیارت قبر اباعبدالله الحسین علیه السلام مشرف شوم یا به زیارت قبر پدرتان در طوس، نظر شما چیست؟ فرمود: در جای خود باش «سپس (حضرت) وارد (خانه) شد و پس (از اندکی) بیرون آمد در حالی [صفحه ۵۶] پس (از اندکی) بیرون آمد در حالی که اشک از گونه هایش جاری بود، فرمود: زائران اباعبدالله علیه السلام بسیارند و زائران قبر پدرم در طوس اندک.» [۳۲]. [صفحه ۵۷]

حدیث ۲۹

عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «مَا زَارَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَدًا فَصَابَهُ أَدَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ بَرْدٍ أَوْ حَرٍّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» [۳۳].

(حضرت) عبدالعظیم حسنی از امام محمد تقی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «کسی که به زیارت پدرم نائل شود و (در راه زیارت) به او آزاری مانند باران یا سرمایی یا گرمایی برسد، جز این نیست که خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می نماید.» [صفحه ۵۸]

حدیث ۳۰

عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «أَهْلُ قَمٍّ وَأَهْلُ آبَةِ مَغْفُورٍ لَهُمْ لَزِيَارَتِهِمْ لِحَدِيٍّ عَلَى بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِطُوسَ أَلَا وَمَنْ زَارَهُ فَأَصَابَهُ فِي طَرِيقِهِ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» [۳۴].

(حضرت) عبدالعظیم حسنی گوید: از امام علی النقی علیه السلام شنیدم که فرمود: «مردم قم و آبه [۳۵]. به جهت زیارت جدم علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس گناهانشان آمرزیده شده. آگاه باشید کسی که آن حضرت را زیارت کند و در راه (زیارت) او قطره ای (باران) از آسمان بر او فرو بارد، خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می کند.» [صفحه ۵۹]

حدیث ۳۱

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلْخٍ قَالَ: «كُنْتُ مَعَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَاسَانَ فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ لَوْ عَزَلْتُ لَهُؤُلَاءِ مَائِدَتَهُ فَقَالَ مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَالْأَمُّ وَاحِدَةٌ وَالْأَبُّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ» [۳۶].

عبدالله بن الصلت از مردی از اهل بلخ نقل می کند که گفت: «در طول مسیر مسافرت امام رضا علیه السلام به خراسان، من در خدمت ایشان بودم، روزی غذا طلبید و (پس از گستراندن سفره) غلامان سیاه خود دیگران را بر سر آن گرد آورد. گفتیم: فدایت شود، بهتر بود که (سفره) غذای آنان را [صفحه ۶۰] جدا می نمودید. فرمود: ساکت باش، پروردگار تبارک و تعالی یکی است، مادر یکی است، پدر یکی است و پاداش به کردار است.» [صفحه ۶۱]

حدیث ۳۲

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِمَنْ زَارَ أَبَاكَ بِخُرَاسَانَ؟ قَالَ: «الْجَنَّةُ وَاللَّهُ الْجَنَّةُ وَاللَّهُ» [۳۷].

علی بن اسباط گوید: از ابوجعفر (امام جواد) علیه السلام پرسیدم: کسی که پدرتان را در خراسان زیارت کند، چه (پاداشی) خواهد داشت؟ فرمود:

به خدا قسم بهشت، به خدا قسم بهشت.» [صفحه ۶۲]

حدیث ۳۳

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «سَتُدْفَنُ بَضْعَةً مِنِّي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ [عَزَّ وَجَلَّ] لَهُ الْجَنَّةَ وَحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ.» [۳۸]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به زودی پاره‌ی تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود که هیچ مؤمنی او را زیارت نمی‌کند، مگر این که خداوند بهشت را بر او واجب ساخته و پیکرش را بر (آتش) دوزخ حرام می‌سازد.» [صفحه ۶۳]

حدیث ۳۴

قال الامام الجواد عليه السلام: «ضَمِنْتُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسَ عَارِفًا بِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» [۳۹]. امام جواد علیه السلام فرمود: «کسی که قبر پدرم رضا علیه السلام را در طوس با شناخت حق او (به اینکه حضرتش امام واجب اطاعة است) زیارت کند، من نزد خدای تعالی بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.» [صفحه ۶۴]

حدیث ۳۵

قال الرضا عليه السلام: «مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي عَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا شَفَعْتُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» [۴۰]. امام رضا علیه السلام فرمود: «هیچ یک از دوستانم مرا با آگاهی به حقم (که امام واجب اطاعة هستم) زیارت نمی‌کند مگر این که روز قیامت او را شفاعت خواهم کرد.» [صفحه ۶۵]

حدیث ۳۶

قال الرضا عليه السلام: «مَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زِيَارَتِي اسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ وَغُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَتَبَ اللَّهُ [تَعَالَى] لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ وَكُنْتُ أَنَا وَآبَائِي شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهَذِهِ الْبُقْعَةُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَمَخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، لَا يَزَالُ فَوْجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ إِلَى أَنْ يُنْفَخَ فِي الصُّورِ.» [۴۱]. امام رضا علیه السلام فرمود: «کسی که بار سفر به سوی من بربندد دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده می‌شود، پس کسی که مرا در آن مکان زیارت کند، مانند کسی است که [صفحه ۶۶] رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد، خداوند برای او پاداش هزار حج و عمره‌ی پذیرفته شده می‌نویسد و من و پدرانم شفیعیان او روز قیامت خواهیم بود؛ این بقعه بوستانی از بوستان های بهشت و محل رفت و آمد فرشتگان است؛ آن گونه که گروهی از آسمان فرو می‌آیند و گروهی بالا می‌روند، تا این که در صور دمیده شود.» [صفحه ۶۷]

حدیث ۳۷

قال الامام موسى بن جعفر عليهما السلام في حديث: «وَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَنَامِ وَامِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ ... ثُمَّ وَصَفَهُ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: عَلَيَّ ابْنُكَ الَّذِي يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ وَيَسْمَعُ بِتَفْهِيمِهِ وَيَنْطِقُ بِحِكْمَتِهِ يُصِيبُ وَلَا يُخْطِئُ وَيَعْلَمُ وَلَا يَجْهَلُ قَدْ مَلِيَ حِلْمًا وَعِلْمًا» [۴۲ ...]. امام موسی بن جعفر علیهما السلام ضمن حدیثی فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را به همراه آن حضرت در خواب دیدم ... سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله وی (امام رضا

علیه السلام) را برای من توصیف نمود و فرمود: «علی پسر توست که نور خدا می بیند و به تفهیم الهی می شنود و بر [صفحه ۶۸] پایه‌ی حکمت او سخن می گوید، او راه راست می پوید و به خطا نمی رود، دانشمندی است که (علمش) به جهل نمی گراید و لبریز از بردباری و دانش گردیده است.» [صفحه ۶۹]

حدیث ۳۸

قال رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث في فضائل الأئمة المعصومين عليهم السلام: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ ضَاحِكًا مُشْتَبِّهًا - فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا - عليه السلام... فَهَؤُلَاءِ مَصَابِيحُ الدُّجَى وَ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ التَّقَى - مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ تَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا لَهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْجَنَّةِ» [۴۳]. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی در بیان فضائل یکایک ائمه معصومین علیهم السلام فرمود: «کسی که دوست بدارد خندان، خداوند را ملاقات کند، باید محبت و ولایت علی بن موسی الرضا علیهما السلام را داشته باشد... اینان (ائمه اطهار علیهم السلام) چراغهای تاریکی و امامان هدایتگر و [صفحه ۷۰] نشانه‌های تقوا هستند، کسی که ایشان را دوست بدارد و بهره‌مند از ولایت آنان گردد، من نزد خدای تعالی بهشت را برای او ضمانت می کنم.» [صفحه ۷۱]

حدیث ۳۹

قَالَ يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّوْبَخْتِيُّ: مَرَّ رَجُلٌ بِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: أَعْطِنِي عَلَى قَدَرٍ مُرَوِّتِكَ. قَالَ: لَا يَسْتَعْنِي ذَلِكَ. فَقَالَ: عَلَى قَدَرٍ مُرَوِّتِي. قَالَ: أَمَا إِذَا فَتَعَمْتُ. ثُمَّ قَالَ: يَا غُلَامُ أَعْطِهِ مَائَتِي دِينَارٍ. [۴۴]. یعقوب بن اسحاق نوبختی گوید: «مردی خدمت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: به من به اندازه‌ی جوانمردیت بخشش نما. فرمود: نمی توانم چنان کنم. گفت: (پس) به اندازه‌ی جوانمردی من بخشش نما. فرمود: اکنون می توانم. سپس فرمود: ای غلام به او دویست دینار بده.»

حدیث ۴۰

قال ابراهيم بن العباس: «مَا رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَفَا أَحَدًا بِكَلِمَةٍ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْهُ وَ مَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَ لَا مَدَّ رَجُلُهُ بَيْنَ يَدَيَّ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ شَتَمَ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَ مَمَالِيكِهِ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ تَفَلَّ وَ لَا رَأَيْتُهُ يُقَهِّقُهُ فِي ضَحِكِهِ قَطُّ بَلْ كَانَ ضَحِكُهُ التَّبَسُّمُ وَ كَانَ إِذَا خَلَا وَ نَصَبَ مَائِدَتَهُ أَجْلَسَ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ مَمَالِيكُهُ وَ مَوَالِيَهُ حَتَّى الْيُؤَابَ السَّائِسِ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ الشَّهْرِ يُخْبِي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ وَ كَانَ كَثِيرَ الصَّيَامِ فَلَا يَقُوتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَ يَقُولُ ذَلِكَ [صفحه ۷۳] صَوْمُ الدَّهْرِ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرَ الْمُعْرِوفِ وَ الصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ وَ أَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيْلِ إِلَى الْمُظْلَمَةِ فَمِنْ زَعِيمٍ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَمَّا تَصَدَّقَ.» [۴۵]. ابراهیم بن عباس گوید: «ندیدم که هرگز ابوالحسن الرضا علیه السلام با سخنی به کسی ستمی روا دارد و ندیدم که سخن کسی را قطع کند تا اینکه کلامش را به پایان برد و نه آن که از برآوردن حاجت نیازمندی سرباز زند. او هرگز در برابر همنشینی نه پایش را دراز می کرد و نه به چیزی تکیه می داد. همچنان که ندیدم یکی از زیردستان و زیر خریدانش را هرگز دشنام دهد و ندیدم که آب دهان (بر زمین) اندازد و صدا به خنده بلند سازد، بلکه خنده‌اش به صورت تبسم بود. چون در خلوت خانه سفره‌ی غذا می گسترانند، زیردستان و غلامانش [صفحه ۷۴] و حتی مأمور اصطبل را همراه خود بر سر سفره می‌نشانند. آن حضرت کم خواب و بسیار شب زنده‌دار بود، اکثر شبها را از ابتدا تا صبح به عبادت می‌گذراند، بسیار روزه می‌داشت و روزه‌ی سه روزه [۴۶]. را از دست نمی‌داد و می‌فرمود: این (روزه‌ی این سه روز معادل) روزه‌ی یک عمر است؛ کار نیکو بسیار می‌کرد و صدقه‌ی نهانی بسیار می‌داد، که البته اکثر اینها در شبهای تار بود؛ پس اگر کسی پندارد که کسی را در فضیلت همتای او دیده است، تو باور مکن.»

- [۱] بحارالانوار، ۵۳ / ۱۰۳. [۲] بحارالانوار، ۱۲۳ / ۴۹. [۳] وسائل الشیعة، ۴۳۸ / ۱۰. [۴] وسائل الشیعة، ۴۳۷ / ۱۰. [۵] وسائل الشیعة، ۴۳۳ / ۱۰. [۶] بحارالانوار: ۲۸۴ - ۲۸۳ / ۴۹. [۷] وسائل الشیعة، ۴۴۷ / ۱۰. [۸] وسائل الشیعة، ۴۳۹ / ۲. [۹] بحارالانوار، ۱۰۲ / ۳۶. [۱۰] بحارالانوار، ۱۰۰ / ۴۹. [۱۱] الکافی، ۵۸۴ / ۴. [۱۲] اثبات الهداء، ۲۷۸ / ۳. [۱۳] اثبات الهداء، ۲۳۲ / ۳. [۱۴] اثبات الهداء، ۲۳۳ / ۳. [۱۵] اثبات الهداء، ۲۳۴ / ۳. [۱۶] بحارالانوار، ۴ / ۴۹. [۱۷] بحارالانوار، ۱۵ - ۱۴ / ۴۹. [۱۸] بحارالانوار، ۱۵ / ۴۹. [۱۹] بحارالانوار، ۱۷ / ۴۹. [۲۰] بحارالانوار، ۲۱ - ۲۰ / ۴۹. [۲۱] عوالم العلوم، ۵۸ / ۲۲. [۲۲] عوالم العلوم، ۱۸۰ - ۱۷۹ / ۲۲. [۲۳] اثبات الهداء، ۲۲۹ / ۳. [۲۴] الکافی، ۳۱۱ / ۱ - ۳۱۲. [۲۵] جفر کتابی است که اختصاصاً در اختیار ائمه اطهار سلام الله علیها است و در آن تمامی علوم و دانشها اعم از احکام حلال و حرام و نیز تمامی کتب و علوم پیامبران پیشین در آن وجود دارد. [۲۶] بحارالانوار، ۲۸۶ / ۴۹. [۲۷] اعلام الوری / ۳۱۶. [۲۸] بحارالانوار، ۳۲ / ۱۰۲. [۲۹] وسائل الشیعة / ۴۴۳ / ۱۰. [۳۰] وسائل الشیعة، ۴۴۶ / ۱۰. [۳۱] وسائل الشیعة، ۴۴۲ / ۱۰. [۳۲] درباره‌ی برتر بودن زیارت حضرت رضا علیه السلام به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و نیز اندک بودن زائران ثامن الائمه علیه السلام تعلیل‌هایی شده است که بسا مهمترین آنها این باشد که زائران امام رضا علیه السلام شیعه اثنی عشری هستند، در حالی که قبر اباعبدالله الحسین (ع) را همه فرقه‌های شیعه زیارت می‌کنند. ر. ک. بحارالانوار، ۳۹ / ۱۰۲. [۳۳] وسائل الشیعة، ۴۳۹ / ۱۰. [۳۴] عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲۶۰ / ۲. [۳۵] آبه از روستاهای ساوه است. [۳۶] بحارالانوار، ۱۰۱ / ۴۹. [۳۷] وسائل الشیعة، ۴۳۷ / ۱۰. [۳۸] الوافی، ۱۵۵۱ / ۱۴. [۳۹] وسائل الشیعة، ۴۳۷ / ۱۰. [۴۰] وسائل الشیعة، ۴۳۴ / ۱۰. [۴۱] بحارالانوار، ۴۴ / ۱۰۲. [۴۲] بحارالانوار، ۱۱ - ۴۹ / ۱۲. [۴۳] بحارالانوار، ۲۹۶ / ۳۶. [۴۴] بحارالانوار، ۱۰۰ / ۴۹. [۴۵] عیون اخبار الرضا، ۱۸۴ / ۲. [۴۶] مقصود پنجشنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه‌ی میان ماه می‌باشد. ر. ک. منتهی الآمال، ۴۶۲ / ۲.